

خبرنامه جنبش

دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران

قراردادهای شفاهی

امنیت شغلی در هر جامعه‌ای اساس و پایه جامعه کارگری است که در کشور ما دغدغه صد در صد مزدبگیران ایران می‌باشد. وجود اقتصاد رانتی در ایران باعث شده است که امنیت شغلی در جامعه ما معضلی بزرگ برای بدنه تولید باشد، چرا که از یک طرف همین قانون نوشته شده توسط حامیان کارفرمایان و صاحبان سرمایه به اجرا در نمی‌آید و از طرف دیگر به قراردادهای کار موقت برمیگردد که اکنون ۹۴ درصد کل قراردادهای کار را شامل می‌باشد، که این همه باعث گردید تا مزدبگیران - موقتی دانستن شغل خود و اخراج از کار - را در هر لحظه از چشم انداز زندگی خود داشته باشند. البته آن ۶ درصد بقیه هم که قرارداد موقت ندارند به مرور زمان در حال بازنشسته شدن می‌باشند و بعد از مدت زمانی کوتاه ۱۰۰ درصد قراردادها به صورت موقت درخواهد آمد. امروزه حتی کارگرانی هستند با ۲۵ سال سابقه کار که به صورت قراردادهای موقت یا قراردادهای سفید امضا کار می‌کنند.

بعد از رسانه‌ای شدن قراردادهای موقت شش ماه و دو ماهه و یک ماهه و قراردادهای سفید امضاء که اکثر فعالین کارگری انرژی خود را در مسیر لغو این نوع قراردادها گذاشته بودند، اکنون نوبت به قراردادهای شفاهی رسیده است! علیرضا محبوب درباره طرح برخی آمارها درخصوص اینکه ۹۹ درصد قراردادهای کار چند ماهه و حدود ۹۴ درصد از کل قراردادها بسیار کوتاه مدت است، گفت: «بیش از دوسوم قراردادهای کاری در حال حاضر شفاهی است که اینگونه قراردادها را نمی‌توان موقت قلمداد کرد، اما در قراردادهای کتبی بسیاری از نوع موقت هم وجود دارد.»

افرادی که با قرارداد کتبی مشغول به کار هستند لاف‌بختی از آنان مدت زمان کار، تاریخ شروع و خاتمه کار، حقوق و مزایا و بیمه آنان ثبت می‌شود هر چند که برای دریافت این مزایا و حقوق خود ماه‌ها باید صبر کنند ولی بخش عظیمی از این کارگران که به صورت شفاهی قرارداد می‌بندند نه تنها زمان کار و تاریخ شروع و اتمام کار ثبت نشده است بلکه حقوق و مزایا و بیمه آنان نیز نه تنها ثبت نمی‌شود، بلکه به آنان تعلق نمی‌گیرد. از آنجاییکه صاحبان سرمایه و قانونگذاران و مجریان قانون هیچ دغدغه‌ای در قبال مزدبگیران ایران از خود نشان نمی‌دهند و هر روز با وضع قوانین و طرح‌های ضد کارگری خود جامعه مزدبگیران را آشفته‌تر از قبل می‌کنند، در قبال این قراردادهای کاری شفاهی هم هیچ مسئولیتی به عهده نمی‌گیرند و کارفرمایان نهایت سوء استفاده را از این نوع قراردادها انجام می‌دهند.

وجود نیروی کار عظیم در کشور و ناتوانی دولت‌های حاکم در ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و به اجرا درنیابورتن بخش‌های حساس قانون کار مصوبه خود، باعث شده است تا کارفرمایان و صاحبان سرمایه در کشور خیال خود را از بابت عدم اجرای قانون کار در انعقاد قرارداد راحت کنند و خود کارفرمایان هر روز انواع جدیدی از قراردادها را از موقت گرفته تا شفاهی بوجود بیاورند و امروزه بحث قراردادها در قانون کار، بحثی تریزینی می‌باشد که تنها به درد پز دادن برای سازمان جهانی کار می‌خورد و فاقد هر گونه ضمانت اجرایی است. زمانی که مزدبگیران جامعه ما امنیت شغلی ندارند و هر لحظه در بیم آن هستند که از کارخانه اخراج شوند، چگونه می‌توانند برای حقوق قانونی خود فعالیت کنند، چرا که آنان جرات نخواهند داشت تا مطالبات خود را مطرح کند و از طرف دیگر همیشه عده‌ای پشت در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها وجود دارند که ارزانتر از نیروهای داخل کارخانه کار می‌کنند و کارفرمایان و صاحبان سرمایه از این وضعیت نهایت سوء استفاده را می‌کنند و نیروی کار ارزان را با نوع جدیدی از قراردادها به داخل کارخانه راه خواهند داد.

هم اینک جامعه کارگری در مرحله حساس تاریخی خود بسر می‌برد. ما گرچه در نبود ابزارهای قانونی و عدم قدرت لازم در چانه زنی جهت تحقق مطالبات صنفی و فقدان اتحادیه‌های کارگری مستقل برای ایستادگی جامعه کارگری در مقابل موج بیکاری سازی خصوصا در رابطه با تغییر قوانین کار - سرمایه شاهد افت و فلاکت بیش از پیش جامعه کارگری هستیم. اما نباید فراموش کرد که پتانسیل و شرایط ذهنی دیگر جنبش‌های اجتماعی در ایران آمادگی لازم برای حمایت از جنبش مزدبگیران را دارا می‌باشند! که در این شرایط لازم است تا دیگر جنبش‌های اجتماعی در همکاری با یکدیگر و در دفاع از حقوق صنفی و اجتماعی مزدبگیران بسیج شوند و مبارزات قطره چکانی و حداقلی در ایران را که با حربه سرکوب یا حذف قوانین حمایتی در مقابل میلیون‌ها کارگر محدود می‌شود را ارتقاء دهند. فعالین حوزه جنبش‌های اجتماعی نیک می‌دانند تا رسیدن به تحقق مطالبات میلیون‌ها مزدبگیر راه درازی مانده و جهت طی این مسیر لازم است تا از تمامی پتانسیل جنبش‌ها در رسیدن به تحقق خواسته‌های میلیونی مردم ایران استفاده شود.

دستیابی به مطالبات صنفی بزرگترین خواست جنبش مزدگیران است

تا زمانیکه طبقه کارگر ایران وارد فرایند «خود پیدا کردن اجتماعی» نشوند و به «خود آگاهی اجتماعی و طبقاتی» خود باور پیدا نکنند، نمی‌توانند وارد فرایند «سازمان‌گری شکل مستقل طبقاتی» بشوند.

بازداشت و اخذ تعهد از فعالان کارگری گروه ملی صنعتی فولاد ایران

حدود ده تن از کارگران معترض شرکت گروه ملی صنعتی فولاد ایران توسط نیروهای امنیتی بازداشت و مجبور به امضای تعهدنامه شدند. کارگران این شرکت در ماه‌های اخیر تجمعات گسترده‌ای برای استیفای حقوق قانونی خود از جمله مطالبه معوقات مزدی خود داشتند. گزارش شده است بازداشت شدگان با انتقال به اداره اطلاعات پیش از آزادی، مجبور به امضای تعهدنامه‌هایی دال بر عدم شرکت یا مشارکت در سازماندهی اعتراضات کارگران این شرکت شدند. کارگران این واحد صنعتی طی ماه‌های اخیر در نوبت‌های مختلف برای رسیدن مطالبات عقب افتاده ماه‌های قبل در مقابل این شرکت یا بانک ملی مرکزی اهواز دست به اعتراض می‌زنند اما با گذشت ماه‌ها هنوز پاسخ قانع‌کننده‌ای به آن‌ها داده نشده است. شرکت گروه ملی صنعتی فولاد ایران واقع در اهواز، علاوه بر پایه سنوات کارگران به مدت چهار سال، مطالبات مزدی حدود چهار هزار کارگر خود را در چهار ماه متوالی اخیر پرداخت نکرده است. با خلف وعده مسئولین که پیش‌تر در پی تجمع مقابل استانداری به آنان داده شد. جمعی از کارگران این واحد صنعتی در روزهای اخیر مقابل ساختمان بانک ملی، شعبه مرکزی واقع در خیابان سلمان فارسی اهواز و همین‌طور نماز جمعه این شهر دست به تجمع یا حضور اعتراض آمیز زدند. کارگران شرکت گروه ملی صنعتی فولاد از دریافت پایه سنوات خود به مدت چهار سال متوالی نیز محروم مانده‌اند و بالاجبار از سوی شرکت مذکور رضایت گرفته شده است که پایه سنوات چهار سال اخیر را دریافت کرده‌اند و شکایتی در این زمینه ندارند. پایه سنواتی از مزایای جانبی دستمزد و قسمتی از حقوق پایه است که برای جبران حداقل دستمزد، توسط شورای عالی کار، تصویب و ابلاغ می‌شود. پایه سنواتی معمولاً با حداقل دستمزد جمع و به کارگر به صورت ماهانه یا سالانه پرداخت می‌شود و تغییر میزان سالانه آن ارتباطی با افزایش دستمزد ندارد.

قرارداد کمتر از يك سال در حکم قرارداد یکساله مغایر با قانون است

در جلسه ۳۱ مرداد ماه سال جاری دیوان عدالت اداری، ابطال دستورالعمل شماره ۴۰ روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به شماره ۴۹۲۰۷ مورخ ۱۹/۳/۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. در دستورالعمل شماره ۴۰ آمده که در کارهای با ماهیت مستمر، انعقاد قراردادهای زیر یک سال ممنوع است و کارفرمایان مکلفند در صورت انعقاد قرارداد موقت، قرارداد را حداقل به مدت یک سال منعقد نمایند. این دستورالعمل در خردادماه سال هزار و سیصد و نود و چهار ابلاغ شد. جالب است که این دستورالعمل یک هفته پس از ابلاغ با اعتراض کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران به دلیل نیاز به بررسی بیشتر مواجه شد که اجرای دستورالعمل مزبور کان لم یکن و متوقف شد. حالا دو سال بعد از اینکه دستورالعمل از حیز انتفاع ساقط شده، شکای با این ادعا که اجرای دستورالعمل فوق الذکر، کارفرمایان را مکلف به انعقاد قرارداد به مدت حداقل یک سال را کرده و قراردادهای کمتر از یک سال را در حکم قرارداد یکساله محسوب کرده و موجب خدشه وارد شدن به قراردادهای زیر یک سال می‌شود، ابطال آن را درخواست کرده است. پس از ثبت شکایت، موضوع با اعلام نظر هیئت تخصصی بیمه، کار و تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری مبنی بر اینکه صدور ابلاغ دستورالعمل شماره ۴۰ روابط کار خارج از حدود و اختیارات مرجع وضع و قابل ابطال است، در دستور کار هیئت عمومی قرار گرفت و هیئت عمومی دیوان نیز با تأیید نظر هیئت تخصصی دستورالعمل مورد اشاره را که انعقاد قرارداد کار مدت موقت کمتر از یکسال در کارهای دارای ماهیت مستمر را در حکم قرارداد یکساله محسوب کرده بود را خارج از اختیار مرجع وضع و مغایر با قانون تشخیص داد و ابطال کرد.



رشد ۳۴ درصدی حوادث کار در استان تهران**مرگ ۸۰۰ کارگر ساختمانی در شش ماه اول سال ۹۵**

حوادث کار منجر به مرگ در استان تهران رشد ۳۴ درصدی در مقایسه با آمار مدت مشابه سال قبل خود داشته است به گونه‌ای که در چهار ماه اول سال جاری حوادث ناشی از کار جان ۱۲۱ نفر را در استان تهران گرفته است. مسعود قادی پاشا، مدیر کل پزشکی قانونی استان تهران در این باره گفت: بیش از نیمی از حوادث کار منجر به مرگ در بخش ساختمان رخ می‌دهد. سال ۹۴ قریب ۱۲۰۰ کارگر ساختمانی جان خود را در اثر حوادث ناشی از کار از دست دادند. به گفته وی سال ۹۵ این آمار ۳۰ درصد افزایش یافت و تنها در شش ماهه اول این سال، بیش از ۸۰۰ کارگر ساختمانی در اثر حوادث ناشی از کار جان باختند. سقوط از بلندی، اصابت جسم سخت، سوختگی و کمبود اکسیژن از مهمترین عوامل حوادث کاری اعلام شده که به فوت کارگران منجر شده است.

تجمع جمعی از کارگران پالایشگاه ستاره خلیج فارس مقابل استانداری

جمعی از کارگران بهره‌برداری پالایشگاه ستاره خلیج فارس در تجمع اعتراضی نسبت به مشخص نبودن وضعیت شغلی خود مقابل ساختمان استانداری استان هرمزگان تجمع کردند. به گفته این کارگران، معترضان شامل ۹۰ نفر از کارکنان واحد بهره‌برداری پالایشگاه ستاره خلیج فارس در شهر بندرعباس هستند که کارت‌های حضور و غیاب آنها به دستور مدیریت جدید پالایشگاه جمع‌آوری شده و در نتیجه آنها از ورود به محل کارشان منع شده‌اند. برپایه این اظهارات جمع‌آوری کارت‌های حضور و غیاب کارگران موردنظر هم در راستای پیگیری‌هایی است که از جانب کارفرمای اصلی برای تبدیل وضعیت استخدامی و غیرمستقیم شدن قراردادهای کاری صورت گرفته و این در شرایطی است که به گفته همین کارگران قراردادهای شغلی آنها تا ابتدا و انتهای فصل پاییز اعتبار دارد. این کارگران که معتقد هستند در نتیجه تبدیل شدن قراردادهای استخدامی آنها از حالت مستقیم به پیمانکاری، مطالبات مزدی آنها به صورت قابل توجهی کاهش می‌یابد، افزودند: مدیریت پالایشگاه برای میان تبدیل وضعیت و پیمانکاری شدن یا تسویه حساب و فسخ رابطه کاری هیچ چاره‌ای باقی نگذاشته‌است و برای همین تصمیم گرفتیم از طریق مراجعه به استانداری هرمزگان پیگیر خواسته‌هایمان بشویم.

۹ کارگر نیشکر هفت‌تپه از ورود به محل کار منع شدند

در مجتمع نیشکر هفت تپه از ممانعت کارفرمای این واحد از ورود ۹ نفر از کارگران رسمی و قراردادی به محل کارشان خبر دادند. کارگران شاغل در مجتمع صنعتی-کشاورزی نیشکر هفت‌تپه می‌گویند که به دستور کارفرما تا امروز ۹ نفر از همکارانشان از حضور در محل کارشان منع شده‌اند. براساس گفته‌های این گروه از کارگران؛ ۷ نفر از کارگران منع شده از حضور در محل کار در بخش آبیاری مشغول کار بوده‌اند که چند روزی است این فرصت را از دست داده‌اند. آن‌ها مدعی هستند ممنوعیت حضورشان در محل کار پس از آن اتفاق افتاد که آنها تصمیم گرفتند برای فرار از گرمای شرجی هوا و خنک شدن، بدن و لباس‌های خود را با آب خیس کنند. در همین حین کارفرما وضعیت آنها را مشاهده می‌کند و در نتیجه اکنون از حضور در محل کار خود منع شده‌اند. در مورد دو کارگر دیگری که اکنون از حضور در محل کار خود منع شده‌اند، نیز گفته می‌شود؛ این کارگران از جانب مدیریت مجموعه با برپایی اعتراضات صنفی روزهای اخیر این مجموعه مرتبط تشخیص داده شده‌اند. برپایه این اظهارات، ۹ کارگر موردنظر بین ۱۸ تا ۲۶ سال سابقه کار دارند و همگی به دلیل آنکه از نظر سن و سابقه در آستانه بازنشستگی قرار دارند، خواهان بازگشت به کار قبلی خود هستند.

حضور کارگران بازنشسته صنعت فولاد کشور مقابل نهاد ریاست جمهوری

جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد با سفر به تهران در مقابل نهاد ریاست جمهوری خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. این گروه از بازنشستگان که از کرمان، اصفهان، مشهد، مبارکه، زیرآب، طبس، سمنان، شاهرود، سنگرود راهی تهران شده‌اند، خواهان پرداخت به موقع حقوق و هزینه‌های درمانی خود هستند. آن‌ها در توضیح مطالبات خود می‌گویند: در حال حاضر مستمری مرداد ماه ما به تأخیر افتاده و در عین حال از سال ۹۱ تاکنون بخشی از مطالبات مربوط به اجرای احکام معلق شده حق سرپرستی و حق سختی کارمان پرداخت نشده است. همچنین بازنشستگان صنعت فولاد کشور خواستار همسان‌سازی مستمری هم صنفان پیشکسوت خود هستند که گویا از حدود پنج سال قبل تاکنون نسبت به آن ترتیب اثری داده نشده است. آن‌ها با یادآوری اینکه مسئولان مربوطه در مراجعات قبلی خواستار ارائه گزارشی مستند از آنها شده بودند، افزودند: تاکنون پاسخ درست و شفافی به ما داده نشده است و می‌خواهیم بگوئیم با گزارش و نامه‌نگاری کار بازنشستگان حل نخواهد شد و در نتیجه این مراجعات ادامه خواهد یافت. این بازنشستگان می‌گویند: با وجود ضعف جسمانی ناچاریم هر چند ماه یکبار برای پیگیری مطالباتمان به تهران بیاییم چراکه در سالهای اخیر به دلیل مشکلات مالی صندوق فولاد، آسایش دوران بازنشستگی‌مان برهم خورده و مرتباً مسئولان برای پیگیری مشکلات بازنشستگان فولاد بار مالی آن را بهانه می‌کنند.

جنبش دانشجویی پیشگراول جنبش دموکراتیک در ایران است

انحلال انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام (ره) علوم پزشکی زاهدان

شنیده ها حکایت از آن دارد که اعضا کلیدی و ادوار تشکیلات انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام (ره) علوم پزشکی زاهدان به جمع بندی ای رسیده اند که به انحلال آن تشکیلات ختم خواهد شد. دلیل این جمع بندی فشار نهاد های داخل و خارج دانشگاه و ممانعت مسولان دانشگاه بخصوص ریاست دانشگاه از فعالیت تشکیلات اعلام شده است. ایشان اعلام کرده اند ریاست دانشگاه در سال پایانی دولت یازدهم مانع هرگونه فعالیت انجمن شده و نزدیک انتخابات نیز کلیه فعالیت های انجمن را ممنوع اعلام کرده. همچنین اعضای این تشکیلات مدعی هستند مدارک و مستنداتی در اختیار دارند که ریاست دانشگاه طی نامه ای به نهاد های بالا دستی به کذب پردازی علیه این تشکیلات پرداخته و البته پرده از اقدامات غیر قانون خود و معاون اسبق خود برداشته است.

بخش هایی از بیانیه فراگیر دانشجویان در انتقاد از سیاست خصوصی سازی آموزش

امروز تبعیض های بنیادین جامعه به دانشگاه پا نهاده اند. بومی گزینی گزینش جنسیتی، هدایت تحصیلی و پولی سازی آموزش عمومی که طبق قانون اساسی باید برای تمام آحاد ملت در دسترس باشد در کنار پدیده هایی نظیر گسترش مدارس غیرانتفاعی، موسسات آموزشی، کلاس های خصوصی و ده ها کالای آموزشی دیگر به شکل های نابرابر رقابت تحصیلی دامن می زنند، پایه های تبعیض را در دانشگاه استوارتر کرده اند. تبعات روند کالایی سازی آموزش سبب شده است که نه تنها فرزندان طبقات فرودست حین تحصیل در دانشگاه ها، تحت فشار های سنگین آموزشی کمر تا کنند بلکه به تحصیل در دانشگاه محروم شدند و یا سرانجام بخشیدن به تحصیلات دانشگاهی بازمانند. سنوات تحصیلی، هزینه های روز افزون خوابگاه و تغذیه، شهریه های گزاف، واگذاری فضاها و امکانات دانشگاهی به نهادها و سازمان های بیرون از دانشگاه، جملگی دست ها را به هم داده اند تا کاردها به استخوان ها رسد. دانشگاه، جایی که عموماً می پندارند مرکز علم آموزی، حقیقت جویی و یا نیز ضامن رفاه و آزادی آینده فرزندان است، دیگر سال ها است بدل به بازاری برای دلالت و جاعلان علمی شده است. رشد و گسترش پردیس های بین المللی افزایش شمار دانشجویان پولی، اعمال سهمیه های مختلف و... در کنار کاستن سال به سال تعداد دانشجویان روزانه علاوه بر شکل های مختلف تبعیض آموزشی، چنان ضربه ای به کیفیت آموزش و پژوهش علمی زده است که تولید انبوهی از صاحبان عاری از تخصص مدارک دانشگاهی تنها بخش کوچکی از نتایج فلاکت بار آن است. شوره های صنفی، تنها تشکل بر آمده از رای مستقیم دانشجویان که البته و امدار هیچ جریان سیاسی پشت درب های دانشگاه نیست در شرایط کنونی پژواکده صدای مستقل دانشجویان است...

برنده ویژه شماره مهرماه نشریه ارغوان؛

ارگان رسمی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

- ۱- دانشجو کیست، دانشگاه چگونه جایی است؟
 - ۲- تاریخچه ی فعالیتها و مبارزات دانشجویی (ایران و...)?
 - ۳- نقش انجمن های اسلامی در مختصات فعلی دانشگاه (نگاهی به بستن و باز گشایی انجمن ها)?
 - ۴- هویت انجمن های اسلامی؟
 - ۵- چرا باید هر دانشجو تجربه ی حضور در یک تشکل را داشته باشد؟ هر تشکل چه درونمایه ای دارد و تشکل مستقل چیست؟
 - ۶- تشکیلات به چه معناست؟ روند مشارکت در کارهای تشکیلاتی؟
 - ۷- بیان تجربه ی دانشجو از مشارکت در اعتراضات دانشجویی (شرح کامل مطالبات اعتراض و چرا و چگونگی تحقق و عدم تحقق آن)?
 - ۸- حقوق و نقض حقوق دانشجویی و الزام دانشجو به وقوف بر جایگاهش؟
 - ۹- فعالیت سیاسی به چه معناست؟ نقش دانشجویان و معنای فعالیت سیاسی دانشجویی؟
- دانشجویان علاقه مند میتوانند حول یکی از عناوین بالا مقالات خود را تا تاریخ بیستم شهریور ماه به شناسه ی KNTUIslamicAssociation@ یا ایمیل نشریه ی ارغوان به آدرس: arqavanliterature@gmail.com همراه اسم، شماره دانشجویی و رشته ی خود ارسال نمایند.



موج جدیدی از بازداشت و احضار شماری از شهروندان عرب اهل سنت استان خوزستان در آستانه عید قربان

براساس گزارش های رسیده، نیروهای امنیتی، در چند روز اخیر، موج جدیدی از بازداشت و احضار شهروندان سنی مذهب عرب اهواز جهت جلوگیری از اجرای مراسم عید قربان را به راه انداخته اند. در همین حال منابع اهوازی اطلاع دادند دستکم ۲۳ تن از شهروندان اهل سنت عرب توسط اداره اطلاعات اهواز بازداشت شده اند و آنها را به محل نامعلومی منتقل کرده اند. گفته می شود، این بازداشت ها بدون ابلاغ قبلی و حکم قضائی صورت گرفته است.

اسامی تعدادی از بازداشت شدگان عبارتند از؛ ریاض زهیری، جواد هاشمی، حسن حیاوی، حسن دلفی، حیدر سواری، میلاد عفرای، یوسف خسرج، یاسر سیلاوی، سجاد نصیری (الحایی)، أحمد حیدری، علی باوی، شاکر شریفی و عباس شریفی عنوان کرد. هویت ده تن دیگر، تا کنون مشخص نشده است. از دیگر سو، گزارش شده، ظرف سه روز اخیر، ستاد خبری اداره اطلاعات شهر اهواز بیش از ۱۵ تن از فعالان عرب شهر اهواز و همچنین شماری از فعالان دیگر شهرهای استان خوزستان جهت جلوگیری از اجرای مراسم عید قربان و همچنین نگرانی از هر گونه گسترش تظاهرات مردمی مسالمت آمیز را احضار و با أخذ تعهد آنها را آزاد کردند. اکثر احضار شدگان از زندانیان سابق و یا کسانی که با قید وثیقه تا صدور حکم آزاد هستند. اسامی تعدادی از احضار شدگان عبارتند از: خسرو ساعدی، احمد دعاغله، مرتضی نیسی و صالح منابی فهدحمادی، عزیز کنانی، نبی نیسی و هادی صابئی.

نگرانی کولبران کرد از بسته شدن معابر مرزی و تجمع اعتراضات آن ها در پیرانشهر

براساس گزارش ها، نیروهای نظامی ایران از جمله سپاه پاسداران در اقدامی، مرز اورامان را به روی کولبران کرد بسته و همچنین معابر تردد را به کنترل خود درآورده است. به گفته منابع مطلع، این اقدام از اول هفته جاری انجام شده است. اورامان نام



منطقه ای کوهستانی در غرب ایران (استانهای کردستان و کرمانشاه) و شرق عراق است. همزمان گزارش شده، این اقدام، سبب نارضایتی شدید کولبران منطقه مذکور شده است. ماموران نظامی علاوه بر بستن مرز مذکور، از چندی پیش، اقدام به مسدود کردن معبر مرزی پیرانشهر کرده که این موضوع با تجمع اعتراضی کولبران کرد مواجه شده است. براساس این گزارش جمعی از کولبران و فعالان بازارچه های مرزی پیرانشهر در

اعتراض به مسدود ماندن معبر مرزی پیرانشهر و همچنین کشتار کولبران دست به تجمع اعتراضی زدند. آن ها همچنین در یک حرکت اعتراضی، اقدام به مسدود کردن محور تمرچین به پیرانشهر کردند. این فشارها علیه کولبران در حالیهست که همراه تعدادی از کولبران زحمتکش توسط نیروهای نظامی جان خود را از دست می دهند. در همین حال گزارش شده، طی چند روز اخیر نیز، چند کولبر مصدوم شدند. در آخرین مورد، روز جمعه سوم شهریورماه، در پی شلیک مستقیم نیروهای نظامی به کاروان کولبران کُرد در مرز ارومیه و ترکیه یک کولبر جوان کرد با نام «عزیز امین پور» اهل شهرستان سلماس زخمی شد. روز پنجشنبه دوم شهریورماه نیز، گروهی از کولبران کُرد در منطقه مرزی «شلیور» بین روستاهای «باریکه در» و «انجیران» در کمین نیروهای نظامی ایران افتادند که در نتیجه آن کولبری به نام «امیر» اهل شهر سقز به شدت زخمی شده است.

سهیل عربی از پرونده سازی اطلاعات سپاه علیه خانواده اش خبر داد

سهیل عربی، زندانی سیاسی با انتشار نامه ای سرگشاده از زندان اوین خبر داد از روز دوم شهریور در اعتراض به پرونده سازی نیروهای امنیتی سپاه پاسداران برای اعضای خانواده اش دست به اعتصاب غذا زده است. وی همچنین اعلام کرد تا تیرنه مادر و مادر همسرش، به اعتصاب غذای خود پایان نخواهد داد. این در حالیهست که آقای عربی از آبان ماه ۱۳۹۲ به دلیل انتشار عقایدش در فیسبوک، زندانی است. در همین حال، آقای عربی در نامه منتشر شده مذکور از آزار و اذیت خانواده اش از سوی اطلاعات سپاه پاسداران و همچنین صدور حکم محکومیت برای همسر و مادر همسرش خبر داد. سهیل عربی در این نامه بدون اشاره به نام سپاه پاسداران که مسئولیت ضابط پرونده او و همسرش را به عهده دارد، نیروهای امنیتی را متهم کرد که خانواده اش را تهدید کرده اند و تلفن ها و اکانت های آنان را در فضای مجازی، به صورت غیرقانونی شنود و هک کرده اند. این گزارش در حالیهست که نسترن نعیمی، همسر سهیل عربی، روز نهم مرداد به اتهام ارتباط با رسانه های خارج کشور از سوی اطلاعات سپاه بازداشت شد. سهیل عربی پس از بازداشت همسرش، در روز دهم مرداد نیز با خواسته آزادی همسرش اعتصاب غذا کرد ولی با آزادی همسرش با قرار وثیقه در روز شانزدهم مرداد به اعتصاب غذای خود پایان داد. در همین ارتباط اطلاعات سپاه پاسداران پس از آزادی نسترن نعیمی با قرار وثیقه، با احضارهای تلفنی و بازجویی، او را تهدید کرده اند که پرونده او و مادرش را به دادگاه خواهند فرستاد. سهیل عربی پس از مطلع شدن از این آزارها، دست به اعتصاب غذا زده است.

در نشست علمی- تخصصی «حضور نمایندگان جامعه مدنی در شوراها و تأثیر آن بر زندگی روزمره زنان» بررسی شد
تفاوت سهم زنان ایران از مدیریت شهری از حرف تا عمل

نشست علمی- تخصصی حضور نمایندگان جامعه مدنی در شوراها و تأثیر این حضور بر زندگی روزمره زنان، در انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار شد. سخنرانان و تحلیلگران حاضر در این جلسه دکتر فاطمه صادقی (پژوهشگر حوزه سیاسی و زنان)، امیر یعقوبعلی (فعال اجتماعی) و ساراپارساخو (استاد دانشگاه و کاندیدای مستقل شورای شهر و عضو حلقه مطالعات مسائل اجتماعی زنان) بودند.

سخنران اول جلسه، سارا پارساخو اینگونه آغاز کرد که جایگاه زنان در مدیریت شهری در دنیای معاصر از نشانه‌های بلوغ علمی و توسعه‌یافتگی است: مشارکت مدیریتی این قشر هم یکی از شاخصه‌های توانمندی مدنی است. با وجود گسترش روزافزون شهرها و ایجاد جایگاه‌های جدید مدیریتی و از طرفی جمعیت زنان که حدود نیمی از جمعیت کشور است، باز هم زنان کمترین سهم ریاست را در پست‌های کشوری دارند. حدوداً ۱۰ درصد از واگذاری ریاست یا معاونت‌ها به آنها اختصاص یافته است، در حالی که افزایش روزافزون ریاست‌های مردانه و یا مردسالارانه یعنی به واسطه مردان را شاهدیم. نه با گسترش شهرها، نه با گسترش تکنولوژی، نرخ مشارکت زنان آنطور که باید و شاید بالا نرفت؛ غیر از ارقام و آمارها نتایج ملموس و قابل توجهی را در این زمینه شاهد نیستیم! با هر دیدگاهی که این موضوع را بررسی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که زنان همچنان به حاشیه رانده می‌شوند و این نه فقط در رقابت با مردان بلکه در رقابت با سیاست‌های مردسالارانه حاکم بر تشکلهای سیاسی و مراتب عالی مدیریتی هم صادق است! اما این که واپس‌زد شدن زنان، مشحون دیدگاه سنتی فرهنگی است یا بی‌عدالتی جنسیتی قابل تأمل است. این استاد دانشگاه گفت: این دوره از انتخابات شوراها دیدیم که زنان غیرمتصل به قدرت و متصل به بدنه جامعه، فعالان اجتماعی و دانشگاهی که ارتباطی با تشکلهای جناح‌های سیاسی نداشتند، حضور یافتند. گرچه عده‌ای کنار کشیدند و حواشی‌ای هم شنیده می‌شد که از برخی خواسته شده بود به هر دلیل از رقابت کنار روند؛ اما این حضور گرچه به نتیجه‌ای که مد نظر فعالان جامعه مدنی بود نرسید، در خور توجه بود. افزایش سطح تحصیلات زنان در جامعه موقعیت‌های مدیریتی خاصی را برای آنان به وجود آورده است. همچنین زنان در مراتب مختلف در کمیسیون‌های شورای شهر حضور پررنگ دارند.»

سخنران بعدی امیر یعقوبعلی، فعال اجتماعی، بحث خود را با اشاره به این مطلب آغاز کرد که درباره حضور نمایندگان جامعه مدنی در شوراها و نمایندگان مستقل جامعه زنان لازم است نگاه به سوی آینده باشد؛ نه رو به گذشته و حال. چرا که تا به امروز نمایندگان جامعه مدنی نتوانسته‌اند به شوراها راه یابند. ترکیب شورای کنونی از تعدادی از اصلاح‌طلب نمایندگان شورای چهارم و اعضای جدیدی تشکیل شده است که چهره‌های شناخته‌شده احزاب نیستند؛ اما از همان بدنه هستند. لیست امید که با همه حرف و حدیث‌ها یکدست و یکپارچه به شورا رفت، در کوران انتخابات متوجه دو انتقاد برجسته بود؛ چگونگی انتخاب این افراد و عدم شفافیت پروسه شکل‌گیری لیست و حذف چهره‌هایی که می‌توانستیم آنها را کم و بیش فعالان جامعه مدنی بنامیم. بنابراین ما از تأثیر حضوری باید بگوییم که هنوز حاصل نشده است. همین جا می‌توان با یک برگشت زمانی به کوران انتخابات به واکاوی همان نقد برجسته پروسه شکل‌گیری لیست امید پرداخت؛ این که چرا احزاب اصلاح‌طلب حاضر به پذیرش هیچ یک از این فعالان جامعه مدنی نشدند؟ نوک اصلی پیکان چنین نقدی را باید متوجه خود فعالان مدنی چرخاند که اگر چه در همه بزنگاه‌های سیاسی و انتخاباتی منتقد نگاه از بالای سیاسی‌ها هستند که از رانت «تشکیلاتی و فعالیت سیاسی» برخوردارند، اما در همین بزنگاه‌ها در نهایت با انتخاب این احزاب، جایگاه آنان را مستحکم می‌کنند. چنان که این بار شد! لیست سومی که شکل گرفت و شامل نمایندگان جامعه مدنی بود، بشدت مورد هجوم فعالان اصلاح‌طلبی قرار گرفت که هرگونه تلاش جمعی برای به رسمیت شناخته شدن نمایندگان جامعه مدنی را موجب پراکندگی آرا و رأی‌آوری جریان رقیب می‌دانستند.»

آخرین سخنران، فاطمه صادقی، پژوهشگر حوزه سیاسی و زنان، بحث خود را اینگونه آغاز کرد: با این که در شهرهای بزرگ، زنان مستقل نتوانستند به شوراها راه یابند، اما در حقیقت کل این رخداد دارای دستاوردهای بزرگ و خوبی بود. تطبیق نظریات گرامشی در تحلیل‌های این حوزه، بسیار اهمیت دارد. گرامشی دو مفهوم «جنگ مانور» و «جنگ موقعیت» را مطرح می‌کند. جنگ موقعیت مفهومی است که گرامشی آن را در جامعه اروپایی و در راستای غلبه بر دولت بررسی کرده است. اما مفهوم جنگ مانور مطرح‌شده توسط گرامشی را می‌توان در مقیاس وسیع‌تر، حتی در همین انتخابات اخیر شوراهای شهر و روستا در ایران و در نحوه بستن لیست‌های انتخاباتی مشاهده کرد. گروه‌هایی که خود را اصلاح‌طلب می‌دانند اما در حقیقت رویکرد لنینی دارند! در این انتخابات، مفهوم مد نظر گرامشی در فضای سیاسی ایران مشهود بود. تغییرات عجیبی هم ایجاد نمی‌شوند، برای تغییر قدرت باید منابع و رانت در بین گروه‌های وفادار تقسیم شوند. «جنگ مانور» دنبال تغییرات ناگهانی به نفع گروه‌هایی است که خواهان حفظ قدرت به نفع خود هستند. در جریان انتخابات شوراها، جامعه، خواهان تحول در محیط زیست و سایر تغییرات مثبت است. مسأله یارگیری سیاسی نباید اولویت داشته باشد و البته گرامشی توصیه دارد فرودستان به سمت وضع «جنگ موقعیت» باید بروند؛ اما استراتژی طبقه فرودست غالباً استراتژی کم‌مقاومت بوده است.

کمیته بانوان کانون عالی انجمن های صنفی با هدف صیانت از حقوق زنان کارگر فعالیت خود را آغاز کرد

سمیه گلپور رئیس کمیته بانوان کانون عالی اظهار داشت: ایجاد هماهنگی بین انجمن های صنفی، پیگیری اجرای قوانین و مقررات مدافع حقوق زنان، بررسی اطلاعات بدست آمده از زنان کارگر در واحدهای اقتصادی، حضور در مجامع ملی و بین المللی، از اهداف این کمیته است. زهره غلامی نایب رئیس این کمیته نیز گفت: این تشکل زبان گویای زنانی خواهند بود که صدایشان جایی شنیده نمی شود. وی تاکید کرد کمیته این توانایی را دارد که از اندیشمندان و اساتید دانشگاهی دعوت کند تا دیدگاه های خود را در خصوص مسایل جامعه کارگری زنان ارایه دهند. حدود سه میلیون کارگر زن در کشور در بنگاههای اقتصادی فعالیت می کنند که تاکنون نماینده ای نداشتند. مهناز آقا محمدی نماینده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی نیز در این نشست گفت: با فعال شدن تشکل هایی مانند کمیته بانوان کانون عالی انجمن های صنفی، می توانیم مشکلات جامعه کارگری و بازار کار را رصد کنیم. هم اکنون در حالی پیگیری بازنشستگی پیش از موعد زنان و همچنین بحث مربوط به شیر دادن فرزندان تا دو سال برای مادران در محیط های کار، در مجلس هستیم. طی چهار سال گذشته تعداد تشکل ها در کشور افزایش یافته است اما آنچه که مهم است حضور فعال این تشکل ها در واحدهای اقتصادی است زیرا در صورتی که نتوانند مسایل جامعه کار را بدرستی تبیین کنند و انعکاس دهند نمی توانند حضوری فعال در حوزه کار ایفا کنند.

زنان سرپرست خانوار و مهارت آموزی



بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۹۵؛ از کل جمعیت ۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار نفری ایران بالغ بر ۳۹ میلیون و ۴۲۷ هزار نفر را زنان تشکیل می دهند که سهمی ۴۹ درصدی از کل جمعیت کشور را شامل می شوند. بنا به اعتقاد کارشناسان با تغییر ساختار فرهنگی و اجتماعی، جمعیت زنان سرپرست خانوار در سال های آینده همچنان رو به افزایش خواهد گذاشت؛ زنانی که به سرپرستان خانوار تبدیل می شوند و چه بسا تا پایان عمر به تنهایی خانواده خود را اداره خواهند کرد. اما این مسئله آنجا بیشتر مورد توجه قرار می گیرد که بسیاری از این زنان فاقد مهارت و توانمندی لازم برای اداره زندگی و معیشت خود و خانواده شان هستند و این

موضوع می تواند بیش از پیش آن ها را آسیب پذیر سازد. گرچه به راحتی نمی توان روند رو به رشد جمعیت زنان سرپرست خانوار را مدیریت کرد، یا حتی کاهش داد، اما آنچه در این میان می تواند به کنترل آسیب های احتمالی ناشی از این شرایط منجر شود، اجرای سیاست هایی در جهت توانمندسازی، مهارت آموزی و در واقع آماده سازی این زنان برای مدیریت اقتصادی و اجتماعی خود و خانواده شان است که این امر باید با نگاهی کلان به ابعاد مختلف این مسئله در دستور کار نهادهای مختلف قرار گیرد. در این حوزه، شکل گیری کمپین های اجتماعی و هدایت این موضوع می تواند با دستور کار قرار دادن مسئولیت اجتماعی شرکت ها یک تحول جدی محسوب شود که به زنان سرپرست خانوار و مهارت آموزی آن ها کمک کند. برای بهبود اوضاع زنان سرپرست خانوار، باید بهره گیری از کمپین های اجتماعی بر اساس نیاز روز و به صورت خودجوش در جامعه پی گیری شود تا بر اساس عقیده مشترک مردم این فرهنگ منتشر شود. کمپین «هم سایه شو» یکی از همین نمونه هاست که بر اساس رسالت مسئولیت اجتماعی، از ابتدای ماه رمضان و با هدف حمایت از زنان سرپرست خانوار و توانمندسازی آنان متولد شد و بخشی از عواید فروش محصولات (در ماه مبارک رمضان) را به موسسات خیریه پیش رو در حمایت از زنان سرپرست خانوار، اختصاص داد. این حرکت عام المنفعه توانست با اطلاع رسانی و آگاهی بخشی میان فعالان اقتصادی و اجتماعی نمونه ای برای یک کمپین اجتماعی شود که باید میان شرکت های مطرح اقتصادی تکرار شود تا کمکی به حوزه زنان سرپرست خانوار باشد.

افزایش سن زنان سرپرست در ایران

اما نکته قابل توجه دیگر، وضعیت سنی زنان سرپرست خانوار است که باعث می شود توجه به کمپین های اجتماعی را دوچندان کند. در دهه اخیر، به علت افزایش سن امید به زندگی، با زنا نه شدن سالمندی در کشور روبه رو هستیم که زنان سرپرست خانوار هم از این دایره مجزا نمانده اند. طبق برآوردهای صورت گرفته بیشترین زنان سرپرست کشور در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر قرار دارند که این موضوع به نوبه خود ضرورت پرداختن به حمایت های اجتماعی برای این گروه را افزایش می دهد. بر این اساس کمترین جمعیت این زنان نیز مربوط به گروه سنی کمتر از ۲۰ سال اختصاص دارد. پراکنندگی استانی، وضعیت سن، نوع سرپرستی خانوار و مواردی از این دست، ضرورت آسیب شناسی بیشتر و برنامه ریزی برای پرداختن به موضوع زنان سرپرست خانوار از بُعد سیاست های حمایتی، اجتماعی و اقتصادی را بیش از پیش روشن می سازد.

تمرکز فعالیت بر فضای مجازی و فاصله آن با فضای واقعی در جنبش های اجتماعی

چه ارتباطی ما بین جنبش های اجتماعی با فعالیت در فضای مجازی وجود دارد؟ آیا فعالیت در فضای مجازی توانسته است در خودآگاهی رسانی، سازماندهی و اعتلای مبارزاتی در جنبش های اجتماعی تاثیر بگذارد؟

شاید بتوانیم بگوئیم که بیشترین اعتراضات و نقادی بروی وضعیت واقعی جامعه در فضای مجازی صورت می گیرد. و چنانچه آمارهای رسمی و غیررسمی درست باشد، اکثر ۴۰ میلیون ایرانی فعال در فضای مجازی در حال رصد و مطالعه آن خبری هستند که در این فضا منعکس می گردد. اخبار جنبش های اجتماعی نیز از این امر متثنی نیستند و بسیاری از فعالین اجتماعی که در حمایت از جنبش ها به انعکاس خبر و نقد و بررسی مسائل اجتماعی اقدام می کنند در فضای رسانه ها و صفحه مجازی شناسانده می شوند. آنچه که در این سطور بعنوان نقطه ضعف شدید در مورد فضای مجازی مورد بررسی است؛ عدم پیوستگی و هماهنگی داده ها و اطلاعاتی است که یا بصورت فردی مطرح می گردد و یا پیوندی بین اطلاعات فوق با جنبش ها بصورت گروهی و جمعی دارا نیست. عبارات دیگر جنبش های اجتماعی در ایران که خود مولود خبر و حامل آن می باشند از فرایند نتایج بررسی های خبری در فضاهای مجازی و سایتهای خبری بی بهره هستند. فعالین فضای مجازی مستقما دستی بر ابتلائات و مشکلاتی ندارند که جنبش های اجتماعی در ایران قرار دارند. جنبش ها از گسست ارتباطات گروهی برحسب صنف هر جنبش رنج می برند که بی شک ناشی از انسداد سیاسی و کارکرد نهادهای امنیتی و اطلاعاتی حاکمیت سیاسی است. اما نتیجه دیگر آن گسست بین تحلیل خبر و انتقال آن به جنبش ها است که از نتایج عملکرد فعالین جنبش ها در فضای رسانه، اینترنت و دیگر صفحه های مجازی دیده می شود. شاید اگر فعالین اجتماعی از قدرت نظری مکفی، سازماندهی در خور شرایط اجتماعی و پیگیری و هماهنگی لازم در امر مبارزه و استفاده از فضای مجازی در این راستا بهره مند بودند، ما شاهد این همه کاستی و مشکلات متعدد در جنبش اجتماعی نبودیم!

نقصان دیگری که ما در فضای مجازی در ارتباط با جنبش های اجتماعی شاهد هستیم آنکه؛ فعالین جنبش ها از مطالبات دیگر جنبش ها حمایت نمی کنند (بغیر از حرکت های معدودی که وجود دارد) و در این رابطه فعالیت مشترکی جهت اطلاع رسانی و تبیین آن مطالبات صورت نمی دهند. در این رابطه اولویت بندی بین مطالبات جنبش ها جهت تحقق آن خواسته نیز وجود ندارد تا باعث گردد آن خواسته ای که زمینه عینی و ذهنی بیشتری در عرصه عمومی دارد بیشتر تبیین گردد تا زودتر به ثمر برسد. که این خود از دیگر عوامل بازدارنده در حمایت جنبش ها از یکدیگر است. طبیعتا برای هر جنبش مطالبات متعددی از اهمیت برخوردار است اما چنانچه فعالین اجتماعی در هر جنبش و در تعامل با یکدیگر بتوانند خواسته های مشترک را همچون - حقوق، شغل، حق مسکن و... تبدیل به خواسته و شعارهای تمامی جنبش ها نمایند امکان بسیج و اعتراضات گروهی در مقابل حاکمیت را بیشتر خواهند کرد. در این رابطه اگرچه گروه های سیاسی و ایدئولوژیک رسالت بیشتری دارند، اما از نقش کمتری هم برخوردار می باشند. با توجه به نتایجی که از اخبار جامعه می تواند دریافت کرد جنبش های اجتماعی در سه حوزه آزادی طلب، عدالت طلب و قومی و دینی مطالبات دارند. که متأسفانه قالب جریانات سیاسی (در خارج از کشور) اولویت بندی مطالبات جنبش ها را با توجیه برنامه سیاسی خود پاسخ می دهند که این اولویت بندی تابع نیازهای زمان نیست و می تواند با مطالبات جنبش های اجتماعی در تعارض باشد که به هر حال نتیجه آن به نفع جنبش های اجتماعی تمامی نخواهد شد. در نگاه خیلی از جریانات سیاسی، تبلیغ علیه برجام، عدم حضور نظامی ایران در سوریه یا عراق، محکوم کردن حلال شیعه و عدم گسترش نفوذ ایران در خاورمیانه، اهمیتی به مراتب بالاتر نسبت به حمایت از مطالبات جنبش های اجتماعی در ایران دارد؛ مسئله حقوق بشر و آزادی های اجتماعی، مسئله زنان، معلمان، دانشجویان و...

در فضای مجازی نیز نقصان در نبود استراتژی واحد جهت حمایت از جنبش ها همچون «پاشنه آشیل» در حرکت های اعتراضی خود را نشان میدهد! مشغولیت در فضا و صفحه مجازی به اخبار خرد و صرفا انعکاس آن خبر بدون مابه ازای تحلیلی و جمعی و راهکار مناسب در حرکت آن جنبش، کار حمایت از جنبش های اجتماعی را در حالی که از ابهام فرو برده است. فعالیتها در میان خیل عظیم تحصیل کردگان و متخصصان خصوصا در حوزه حقوق اجتماعی، اقتصاد، فرهنگ و... به اشکال آکادمیک یا مصاحبه و گزارش و... همراه است که عمدتا از اشکال جمعی هم بی بهره می باشد. که البته این نوع افراد تمایل چندانی هم برای فعالیت در فضای مجازی ندارند. که این مشکل باعث می گردد تا خیلی از بحثها نظری و خبری و تحلیل در فضای مجازی از کیفیت لازم جهت پاسخ مناسب به مطالبات جنبش های اجتماعی تهی گردد. از طرف دیگر فعالینی که در فضای مجازی حضور دارند نیز تمایل چندانی برای عمیق کردن تحلیل های خود با تکیه بر نظریات آکادمیک نداشته و نیازی نمی بینند که تحلیل از وقایع اجتماعی را همراه با تجربه های دانشگاهی و کلاسیک گره بزنند. خلاء استفاده از متدولوژی و نظریات مدون که رابطه مستقیم با تاریخ مبارزات اجتماعی داشته باشد و نبود تبیین مشخص از ماهیت و ساختار سیاسی حاکمیت ولایت فقیه که نزدیک به چهار دهه در ایران تثبیت شده است و مجموعه نقایص که در بالا به آن اشاره شد، باعث می گردد تا فعالین اجتماعی در فضای مجازی به پراگماتیسم مفرط دچار گردند. که از نتایج بدیهی آن عدم پیوند فعالیتها در فضای مجازی با مجموعه کنشها در جنبش های اجتماعی است.

در این شرایط نیاز به اتافهای فکر در میان فعالین جنبش ها و ما بین این جنبش ها جهت همگرایی هر چه بیشتر برای رسیدن به برنامه عمل مشخص و مدون و حمایت‌های پیگیر از مطالبات جنبش ها در یک همکاری مشترک که از عقبه مبانی نظری هم برخوردار باشد از ضرورت‌های امروز پاسخ به مطالبات جنبش های اجتماعی در ایران می باشد. بی شک پاسخ به کلیدی ترین بحران های ساختاری در ایران از حوزه مسئولیت چند فعال مدنی یا اجتماعی گذشته است و چنانچه جریانات سیاسی و تشکیلاتی هم نمی توانند به این مهم پاسخ دهند که در پروسه چهاردهه اخیر مبارزات اجتماعی ایران نیز ثابت شده پس روشهای جدید لازمه ایجاد «اتحاد، همگرایی، سازماندهی با برنامه مدون» که بتواند مطالبات برحق جنبش های اجتماعی را در سرلوحه فعالیت خود قرار دهد، امری ضروری و نجات بخش خواهد بود. اما سوالی که در آخر بی جواب می ماند آنکه؛ آیا فضای مجازی و فعالین حوزه عمومی در این فضا می توانند به چنین راهکاری دست یابند؟

گزارش خبری از وضعیت اعتصاب غذای فعالین سیاسی، مدنی، دانشجویی در زندان

جعفر اقدامی یکی از زندانیان سیاسی است که از روز هشتم شهریور و پس از انتقال ناگهانی و بدون وسایلشان به سالی جدید، دست به اعتصاب غذا زد. او حدود ده روز نیز برای تنبیه به سلول‌های انفرادی منتقل شد ولی اعتصاب غذای خود را نشکست. زهرا اقدامی، مادر شصت ساله جعفر اقدامی به کمپین حقوق بشر در ایران گفت فرزندش در آخرین ملاقات وضعیت جسمی مساعدی نداشته و به زور سر پا می‌ایستاده است. خانم اقدامی روز پنجم شهریور به کمپین گفت: حالش که بعد از نزدیک سی روز اعتصاب غذا خوب نیست. در ملاقات روز چهارشنبه به زور می‌توانست راه برود یا روی پایش بایستد، آنجا بهداری درست و با امکاناتی هم که ندارد، این است که همه خانواده‌ها نگران شده‌اند ولی به هر جایی هم که مراجعه می‌کنیم، کسی پاسخگو نیست. مادر جعفر اقدامی به کمپین گفت فرزندش کمتر از یک سال به پایان حکم ده ساله اش باقی مانده و مشغول حبس کشیدن بوده ولی مسئولان زندان با آزار و اذیت آنان را وادار به اعتصاب غذا کرده‌اند: به پسر من بیخودی ده سال زندان دادند و داشت زندانش را تحمل می‌کرد، ولی باز هم طاقت نمی‌آورند و یک روز جابجایشان می‌کنند، یک روز وسایلشان را می‌گیرند، یک روز ملاقاتشان را قطع می‌کنند، هر روز یک آزار و اذیتی، کار دیگری نمی‌توانند به جز این که جانشان را در خطر بیندازند، بگذارید همان زندانی را که خودتان صادر کردید، بدون آزار و اذیت تحمل کنند. جعفر (شاهین) اقدامی روز هشتم شهریور ۱۳۸۷ و پس از شرکت در مراسم سالگرد قربانیان دهه شصت در خاوران بازداشت شد و از آن زمان زندانی است. شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه، جعفر اقدامی را به پنج سال زندان محکوم کرد اما این حکم پس از اعتراض دادستان، در دادگاه تجدیدنظر به ده سال افزایش یافت و با قطعی شدن حکم در سال ۱۳۸۹، این زندانی سیاسی از زندان اوین تهران به زندان رجایی شهر در کرج منتقل شد. اقدامی هم اینک در سال پایانی حبس ده ساله اش به سر می‌برد.

پدر «مجید اسدی» که از زندانیان سیاسی اعتصاب غذا کننده در زندان رجایی شهر است، نیز ضمن ابراز نگرانی نسبت به وضعیت جسمی زندانیان، به کمپین گفت هیچ یک از مراجع قضایی مرتبط با زندان، مسئولیت انتقال زندانیان را به عهده نگرفته و هیچ یک از آنان حاضر به پاسخگویی به خانواده‌ها نشده است. محمد اسدی روز ششم شهریور به کمپین گفت: «ما خانواده‌ها هر نهادی که ربطی به زندان دارد، مراجعه کردیم اما بی‌فایده بود، «دادستانی تهران» می‌گفت ما مسئول نیستیم و «سازمان زندان‌های کل کشور» مسئول است، سازمان زندان‌ها گفتند نه خود زندان رجایی شهر مسئول است و خلاصه هیچ کس جواب درستی نداد، نامه هم به دادستانی نوشتیم ولی باز هم تا حالا که بی‌فایده بوده.»

مجید اسدی، فعال سابق دانشجویی و دانش آموخته اقتصاد، سی ام بهمن ماه ۱۳۹۵ از سوی وزارت اطلاعات در کرج بازداشت شد و حدود پنجاه روز در سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ اوین بازجویی شد. مجید اسدی اوایل سال ۱۳۹۶ و در حالی که هنوز حکمی برایش صادر نشده بوده به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد. پدر مجید اسدی به کمپین گفت پرونده او به اتهام اقدام علیه امنیت ملی اخیرا به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب ارجاع شده ولی هنوز زمان محاکمه مشخص نیست. . . .



نام: نرگس محمدی

حکم: ۱۶ سال زندان

جرم: فعال حقوق بشر

ناپدیدشدگان قهری، معترضانی که به خانه برنمی‌گردند

بر اساس قوانین بین‌المللی، «ناپدیدشده قهری» به فردی گفته می‌شود که به دست نیروهای دولتی یا وابسته به دولت (قدرت، حکومت) دستگیر یا ربوده شود و پس از آن در مورد سرنوشت یا محل نگهداری‌اش، پنهان‌کاری شود و اخبار و اطلاعاتی درباره او منتشر نشود، به شکلی که او را از حمایت قانون خارج کنند. سازمان ملل متحد تاکنون نام و پرونده ۵۱۸ نفر را که در جمهوری اسلامی به شکل قهری ناپدیدشده‌اند ثبت کرده است. دولت ایران درباره سرنوشت این افراد اظهار نظر نمی‌کند. تحقیقات اولیه سازمان عدالت برای ایران اما نشان می‌دهد تعداد ناپدیدشدگان قهری در ایران، بسیار بیش‌تر از اسامی ثبت شده در کارگروه ناپدیدشدگان قهری سازمان ملل است. سی‌ام ماه اوت (هشتم شهریور) اما به عنوان روز بزرگداشت ناپدیدشدگان قهری نامگذاری شده است. به همین بهانه، بخشی از گزارشی از دنا دادیه که به همین بهانه در زمانه منتشر شده است، باز نشر می‌شود:

ربودن معترضان و عدم اطلاع‌رسانی به خانواده و جامعه شیوه‌ای است برای سرکوب صدای اعتراض. شیوه‌ای که گسترش آن سازمان ملل را بر آن داشت تا روزی را به گرامیداشت و یادآوری نام ناپدیدشده‌ها اختصاص دهد. عبارت «قربانیانی که ناپدید شده‌اند» گرچه ممکن است کمی ناملموس به نظر برسد، اما داستان زندگی کسانی که با آن درگیر بوده‌اند، داستان ساده‌ای است. داستان فردی که از خانواده و جامعه‌اش ربوده می‌شود و دولت، گروه‌های وابسته به دولت و حکومت یا گروه‌های مافیایی، ربودن او را انکار کرده یا از اطلاع دادن مکان نگهداری او امتناع می‌ورزند. سازمان ملل متحد با افزایش آمار قربانیان ناپدید شده در بعضی مناطق جهان، در سال ۲۰۱۱ تصمیم گرفت ۳۰ اوت (اگوست) را روز جهانی «قربانیان ناپدیدشده با توسل به زور» اعلام کند. این تصمیم بر پایه «کنوانسیون بین‌المللی حمایت از کسانی که با توسل به زور ناپدید شده‌اند» گرفته شد که در سال ۱۹۹۲ منعقد شده است و تاکنون ۴۳ کشور به آن پیوسته‌اند.



گورستان خاوران

بی‌اعتنایی قوانین ایران به بازداشت‌های غیرقانونی: الف. الف، فرزند یکی از کشته شدگان دهه ۶۰، می‌گوید: «پدرم را سال ۱۳۶۳ بدون اطلاع به اعضای خانواده‌اش از محل کارش ربودند. تنها جرمش شاید ریاست شهربانی بافق یزد در دوران حکومت پهلوی بود. پس از آن بدون اطلاع به ما و بدون دادرسی عادلانه محاکمه‌اش کردند. بعد با خانمان تماس گرفتند و ما را از کشته شدن پدرم باخبر کردند. زمانی که ماموران جنازه پدر را به مادرم تحویل دادند، گفتند اشتباه شده و طلب بخشش کردند. آن‌ها به همین آسانی جان پدرم را گرفتند. ایران تا به امروز به کنوانسیون بین‌المللی

حمایت از کسانی که با توسل به زور ناپدید شده‌اند، نپیوسته است. از سوی دیگر قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۲۱ تنها «آدم ربایی توسط فرد» را جرم‌انگاری کرده است. در این ماده آمده است: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصا یا توسط دیگری شخصی را بر بایند یا مخفی کند به حبس از پنج تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد. این ماده اما نمی‌تواند مصداقی برای حمایت از افراد ربوده شده توسط گروه باشد؛ آن هم گروهی که وابسته به دولت، حکومت، مقام‌های دیگر یا گروه‌های مافیایی است. بازداشت‌های غیرقانونی در ایران که توسط نیروهای امنیتی و بدون دست داشتن مجوز و اطلاع به اعضای خانواده صورت می‌گیرد، خود تحت شمول این موضوع قرار می‌گیرند و این در حالی است که هیچ قانون بازدارنده و مجازاتی برای آن پیش‌بینی نشده است. ربودن و کشتن تعداد زیادی از مخالفان حکومت جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ در ایران توسط نیروهای امنیتی وابسته به نظام، بدون محاکمه و اطلاع به اعضای خانواده، از مصادیق بارز نقض حقوق بشر قلمداد می‌شود. نقضی که جامعه بین‌الملل اغلب در مقابل آن سکوت کرده است. بعضی منابع تعداد ناپدیدشدگان و کشته‌شدگان را فقط در ماه‌های مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ هجری خورشیدی، بین دو هزار و ۵۰۰ تا پنج هزار نفر برآورد کرده‌اند. قربانیانی که در گورهای دسته جمعی در خاوران تهران دفن شدند.

گورستان خاوران: ناپدید کردن مخالفان و معترضان در ایران در سال‌های دهه ۷۰ هم ادامه داشته است و برخی خانواده‌ها همچنان از سرنوشت عزیزانشان بی‌خبرند. ۱۸ تیر ۱۳۷۸، پس از اعتراض‌های دانشجویی و حمله به کوی دانشگاه تهران، فصل تازه‌ای در ناپدیدسازی فعالان سیاسی و دانشجویی رقم خورد. در میان آن‌ها که در این جریان ناپدید شدند، نام سعید زینالی به دلیل مقاومت مادرش، اکرم نقابی، شناخته‌شده‌تر است. سعید زینالی سه روز بعد از واقعه حمله به کوی دانشگاه تهران در تیرماه ۷۸ در منزل شخصی و در مقابل چشمان مادرش بازداشت شد. با گذشت ۱۶ سال از حوادث ۱۸ تیر، تاکنون درباره سرنوشت سعید زینالی پاسخی از سوی نهادهای امنیتی داده نشده، اما مادرش همچنان با حضور در میان خانواده‌های کشته‌شدگان، مصاحبه با رسانه‌ها و مورد پرسش قرار دادن مقام‌های مسئول، به پیگیری‌هایش ادامه می‌دهد. او تاکنون یک بار به دلیل مصاحبه با صدای آمریکا و یک بار دیگر به دلیل شرکت در جمع مادران عزادار در پارک لاله دستگیر و زندانی شده است.



درخواست سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از فعالین جنبش های اجتماعی برای امضا طومان در همبستگی بیشتر با کارگر زحمتکش زندانی، رضا شهابی

کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، فعالین مدنی

همانطور که می دانید رضا شهابی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در زندان رجایی شهر دست به اعتصاب غذا زده است. جرم رضا شهابی و دیگر اعضای سندیکای واحد ایجاد تشکل مستقل از دولت و کارفرما برای دستیابی به مطالباتشان بوده است، که البته به این دلیل اخراج، بازداشت و حتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. رضا شهابی یکی از کارگران عضو سندیکا است که به همین دلیل در سال ۸۹ بازداشت و محکوم به پنج سال زندان گردید. شهابی در حین گذراندن دوره محکومیت پنج ساله مجدداً به دادگاه فراخوانده شد و بسیار ناعادلانه به یک سال زندان دیگر محکوم گردید. این کارگر زندانی به دلیل صدمات جسمی ناشی از برخورد خشن ماموران امنیتی در حین دستگیری و بازجویی در دو مرحله تحت عمل جراحی از ناحیه گردن و کمر قرار گرفت و بدلیل عدم تحمل حبس، مرخصی پزشکی ایشان از سوی پزشکی قانونی مرحله به مرحله تا پایان حبس مورد تایید قرار گرفت. اما مسئولین امنیتی و قضایی در اقدامی غیر قانونی تمامی مدت مرخصی پزشکی رضا شهابی را غیبت محسوب کرده و اعلام کرده اند که او بایستی ۹۶۸ روز دیگر در زندان بماند. رضا در اعتراض به این برخورد غیر قانونی و ناعادلانه از زمان ورود به زندان دست به اعتصاب غذا زده است و ۱۸ روز است که در اعتصاب میباشند. ما امضا کنندگان این بیانیه به شدت نگران جان رضا شهابی هستیم. نجات جان رضا شهابی در گرو حمایت همه ما است. به همین دلیل از همه کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان و فعالین مدنی و اجتماعی درخواست داریم که برای نجات رضا شهابی به ما بپیوندند و با امضای این نامه حمایت خود را از این کارگر زندانی اعلام نمایند.

رضا شهابی باید فوری و بدون قید و شرط آزاد گردد! اذیت و آزار فعالین کارگری و معلمان متوقف باید گردد!

لطفاً برای امضا طومان، اسامی خود را به آدرس تلگرام pvsyndica@ و یا آدرس ایمیل vsyndica@gmail.com ارسال نمایید.

تماس با ادمین در تلگرام: [@sjktamas](https://t.me/sjktamas)

کانال تلگرام <https://t.me/uniiran>

اینستاگرام: <https://www.instagram.com/uni.azadi.barabari/>

توییتر: https://twitter.com/UNI_Barabari

ایمیل: javanan.tamas@gmail.com

اسکایپ: [javanan.tamas](https://www.skype.com/user/javanan.tamas)

انتقاد يك تشکل صنفی معلمان از «برخورد ناشایست» مسئولان در قبال بازنشستگان

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با انتقاد از مسئولان به دلیل برخورد «ناشایست» با بازنشستگان اعلام کرد که «رایزنی‌های مستمر» بازنشستگان با دولت و مجلس برای تحقق مطالبات خود، نتیجه‌ای به جز وعده‌های امروز و فردا نداشته است. به دلیل بی‌توجهی به مطالبات این بازنشستگان، برای آنها «در جهت رساندن صدای حق‌طلبی، چاره‌ای جز تجمع قانونی در قالب اصل ۲۷ قانون اساسی باقی نمانده است». بازنشستگان کشور سال‌هاست «پیگیر احقاق حقوق خود از طرق مختلف، اعم از رایزنی، امضای طومار، تجمع هستند» و انتظار برخورداری از یک زندگی آرام و به دور از دغدغه معیشتی... جزو ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی است. پرداخت مطالبات رتبه‌بندی بازنشستگان بعد از سال ۱۳۸۸ که با دو رتبه پایین‌تر بازنشسته شده‌اند و گنجائیدن موادی روشن و صریح در اصلاحیه و قانون دائمی مدیریت خدمات کشوری برای تامین منافع بازنشستگان و رهایی آنان از تنگناهای معیشتی از دیگر درخواست‌های مطرح‌شده در این بیانیه است. گزارش رسانه‌ها از ایران حاکی از افزایش نارضایتی بازنشستگان از وضعیت رفاهی و معیشتی‌شان در سال‌های اخیر است. در پی تجمعی که فراخوان آن از سوی گروه موسوم به «گروه اتحاد بازنشستگان» در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافت، صدها تن از بازنشستگان فرهنگی و دیگر ارگان‌های دولتی روز ۳۱ مرداد در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. این تجمع در اعتراض به اجرا نشدن مصوبه مجلس در زمینه همسان سازی حقوق بازنشستگان لشگری با شاغلین برگزار شد. به گفته تجمع‌کنندگان، «افزایش مستمری‌های بازنشستگی، اجرای قانون همسان‌سازی و ارتقای خدمات بیمه‌ای، مطالبات اصلی ما هستند و مسئولان باید از بازنشستگان و مستمری‌بگیران حمایت کنند». بر اساس تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافته‌اند، تجمع‌کنندگان پلاکاردهایی در دست داشتند که در آنها نوشته شده بود: «خط فقر چهار میلیون تومان - حقوق ما یک میلیون تومان»، «مبارزه با فساد و اختلاس، امنیت حقوقی و رفاهی بازنشستگان را تامین می‌کند»، «تا زمانی که زیر خط فقریم مطالبه گر خواهیم ماند» و «نه به هر گونه مذاکره - تا رسیدن به حقوق واقعی».

عبدالله نظری؛ معلم و فعال صنفی

... از آیندگان عذر خواهی می‌کنم. اگر چه در عصر ارتباطات وسیله‌ای برای رفتن و عذر خواهی از جسم و روح و جوانی و خانواده در گذشته نیست. ولی من امروزمی نویسم تا از آیندگان، از نوادگانم و از جامعه که در سالهای بعد زندگی می‌کنند پوزش می‌خواهم. من موظف بودم نسل آینده را بسازم ولی امروز آنقدر ترسو و عاجز و ناتوانم که جسم، روح، اعضای بدنم، خانواده ام، امروز فرزندانم و همه را باختم. من موظف بودم فردای مملکت را بسازم اما امروز را هم نمی‌توانم بسازم. من شرم‌نده ام که فقر را پذیرفتم اما جرات تغییر ندارم. خفت کرایه‌کشی و صف یارانه و برگزاری انتخابات را پذیرفتم ولی جرات ندارم دم برنم. من از تمام آینده‌کشورم عذر می‌خواهم که امروز حزب بادم و آینده وطنم را بر باد دادم. مرا عفو کنید که می‌دانم و آگاهانه آیندگان را تخریب می‌کنم. مرا عفو کنید که منتظرم لطف و کرم دیگران وطنم را بسازد. مرا عفو کنید که دیدم عیدی‌ها و را ولی ترسیدم و سکوت کردم و خفت را بر خود و آیندگان ارمغان گذاشتم.

ضرورت مبارزه متحدانه برای مقابله با تشدید سرکوب فعالین صنفی

اسماعیل عبدی را با جسمی آسیب دیده از اعتصاب غذا بی رحمانه به زندان انداختند، معلم برجسته، محسن عمرانی دوران حبس ظالمانه‌ای را می‌گذرانند، علی اکبر باغانی این معلم مقاوم و ایستاده بر آرمانش پس از سالها تحمل زندان در تبعید است و اینک محمود بهشتی لنگرودی را برای گذراندن چهارده سال حبس به زندان فراخوانده‌اند و معلمان مسئول و آگاهی چون رضا مسلمی را به یکسال حبس و طاهر قادرزاده را به ۹۱ روز حبس تعلیقی محکوم کرده‌اند. چنین تعرضی به پیشگامان مبارزات صنفی معلمان به موازات اعمال فشار بر فعالین کارگری از طریق زندانی کردن مجدد رضا شهابی، احضار علی نجاتی برای تحمل شش ماه حبس و احضار دهها نفر از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به دادگاه امری اتفاقی نیست و نشان از دور جدید سرکوب مطالبات حق طلبانه معلمان و کارگران کشور در پس جایگری روحانی بر اریکه قدرت دارد. همین چند روز پیش بود که کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در گزارش خود از فجایع معدن آق دره بر صدور و اجرای حکم شلاق علیه کارگران رنج‌دیده این معدن مهر تایید زد و دولت روحانی به عنوان قوه مجریه کشور که اختیار نهادهای انتظامی و امنیتی کشور را بدست دارد بطور ریاکارانه‌ای با گرفتن ژست دولت تدبیر و امید در حال اتخاذ تدابیر امنیتی بیشتر برای مقابله با اعتراضات صنفی کارگران و معلمان و میلیونها مردم ناراضی ایران از وضعیت مصیبت بار موجود است. تحت چنین شرایطی و در حالیکه در این مملکت تحمیل فقر و فلاکت بر ما کارگران و معلمان و سرکوب اعتراضات بر حق مان پایانی ندارد تنها راه برای برون رفت از چنین وضعیت دردناک و غیر قابل تحمیلی، ایجاد صنفی متحد و قدرتمند از ما کارگران و معلمان و عموم انسانهای عدالت طلب و آزادیخواه با پرچم مشترک خواست پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات صنفی و مدنی و برداشته شده اتهامات امنیتی از پرونده‌های همه فعالین صنفی و مدنی زندانی و تحت تعقیب قضائی است.

جعفر عظیم زاده

نامه به وزیر مینو امامی دبیر بازنشسته - آذربایجان شرقی

آقای وزیر! مگر شما نمی بینید که آستانه ی صبر ما سر رفته است. مگر شما اثرات هدیه ی خودتان به ما را نمی بینید؟ یأس و نومیدی. مگر شما افسردگی ناشی از ناتوانایی های فرهنگی در ارتباطات فامیلی را نمی بینید. مگر شما تقاضای حق و حقوق قانونی برابر با سایر وزارتخانه ها را نمی شنوید. مگر شما یک از هزار خطابه به وزیر گفتن زیر مجموعه خود را نمی شنوید. با ما صادق باشید.... ما هم از پدری شما به هیچ وجه راضی و خشنود نیستیم. تکلیف ما فرهنگیان از اینجا رانده و از آنجا مانده را به صراحت مشخص بفرمایید. جناب وزیر! حداقل بعد انتخاب شدن برای وزارت آموزش و پرورش برای کلیه خوانندگان و نویسندگان و مسئولین صدای معلم، یک سلامی خشک و خالی، ابراز می داشتید؛ نه از آن جهت که ما مداحان مقامات هستیم بلکه از آن جهت که شما صدها سلام ما را بی جواب گذاشتید. نه مسئولین وزارتخانه در گذشته و نه امروز، جوابی برای سلام و آلام و دردها و رنج های ما ندادند پس ما امروز می گوئیم که دیگر تواضع و قناعت، شکم ما و خانواده ما را سیر نمی نماید. قبل از آن که به درجه جوش برسیم جواب سلام ما را بدهید/ قبل از آن که وجدان شغلی مان کم سو تر شود، به خواسته های برحق و انسانی ما پاسخ گو باشید. مثلث سازمانی، قاعده اصل است و اگر نباشد رأس هرمی نخواهد بود. پایه های هرم شما بر روی توانایی ها و قدرت ما فرهنگیان نهاده شده است....

احضار محمود بهشتی فعال صنفی معلمان به زندان؛ از لحظه بازداشت اعتصاب غذای خشک خواهم کرد

محمود بهشتی، معلمی که به دلیل فعالیت های صنفی در سه پرونده جداگانه به ۱۴ سال زندان محکوم شده است، با احضار از سوی دادستانی و اخطار ضبط وثیقه، در آستانه زندانی شدن قرار گرفته است. این عضو ارشد کانون صنفی معلمان که پس از سه بار اعتصاب غذا، در اردیبهشت ۱۳۹۵ به مرخصی درمانی اعزام شده بود، اعلام کرده است با پای خود به زندان نخواهد رفت و در صورت بازداشت شدن نیز از لحظه بازداشت اقدام به اعتصاب غذای خشک خواهد کرد. محمود بهشتی لنگرودی در نامه ای که در کانال تلگرام کانون صنفی معلمان منتشر شد، نوشت که دادستانی تهران روز ششم شهریور در یک تماس تلفنی به او اعلام کرد چنان چه ظرف ده روز خود را به زندان اوین معرفی نکند، ضبط وثیقه اش «عملیاتی» خواهد شد. دادستانی تهران از محمود بهشتی خواسته است بدون سر و صدا خود را به زندان معرفی کند ولی این فعال مدنی نوشته است چهارده سال زندان برای فعالیت در یک تشکل قانونی را حکمی ناعادلانه و غیرقانونی می داند و به همین دلیل خود را به زندان معرفی نمی کند.

بهشتی نوشته است به حکم دادگاه های انقلاب که به جای عدل ظلم می گسترانند، تن نمی دهد: در موعد مقرر به دادستانی خواهم رفت و قطعاً با پای خود به زندان باز خواهم گشت، چرا که نه حکم را قانونی می دانم و نه حکم دهندگان را دارای شایستگی مقام قضاوت و همان گونه که بارها گفته ام، قطعاً به احکام دادگاه های غیر قانونی و فرمایشی که به نام انقلاب، نزدیک به چهل سال است به جای عدل، ظلم می گسترانند، تن نخواهم داد. دادگاه انقلاب یکی از دادگاه های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است که پس از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران تاسیس شد و یکی از فعالیت های اصلی آن تعقیب کیفری مخالفان و منتقدان سیاسی و فعالان حقوق بشر در ایران است. اغلب زندانیان سیاسی و عقیدتی در جمهوری اسلامی با احکام دادگاه انقلاب محکوم و زندانی و یا اعدام شده اند. محمود بهشتی در نامه اش نوشته: هر بار نیز به دادستانی اخطار دادم که در صورت بازگرداندنم به زندان و از اولین روز بازداشت دست به اعتصاب غذای خشک خواهم زد. ۱۴ سال زندان برای فعالیت صنفی، مدنی و قانونمند؟! با آرامش و اطمینان، به راه و هدفی که انتخاب کرده ام ادامه خواهم داد و مسوولان سه قوه را مسوول هر حادثه ای می دانم که از این لحظه به بعد ممکن است برابیم اتفاق بیفتد.

مرگ خیلی آسان می تواند الان به سراغ من بیاید. اما من تا می توانم زندگی کنم نباید به پیشواز مرگ بروم. البته اگر یک وقتی ناچار با مرگ روبرو شدم - که می شوم - مهم نیست. مهم این است که زندگی یا مرگ من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد... - ماهی سیاه کوچولو

صمد بهرنگی زاده ۲ تیر ۱۳۱۸ تبریز - درگذشت ۹ شهریور ۱۳۴۷ ارسباران - معلم، منتقد اجتماعی، مترجم، داستان نویس و محقق در زمینه فولکلور آذربایجانی بود.

